



کارگردان فیلم «پرواز از حلب»

از جسارت های تیمش در میدان جنگ می گوید

دوربین به جای اسلحه

حضور محسن عقلی، کارگردان جوان «پرواز از حلب»، که دعوت گروه طریق را با روی باز پذیرفته است، در سالن آمفی تئاتر پروین اعتصامی حظ دیدن مستند را دوچندان می کند. او به دعوت مجری برنامه، پشت دوربین می ایستد و از مستندش می گوید.



برای مستندسازان دعا کنیم

عقلی در شروع صحبتش از حاضران می خواهد که برای مستندسازان دعا کنند و می گوید: «هر وقت از فیلمی لذت بردید، حتما به تیتراژ آن توجه کنید و برای آدم هایی که اسمشان آورده شده است و برای تولید آن زحمت کشیده اند، دعا کنید تا خسته نشوند.» او با توصیف فضای مستند بحران و دلوری ای که تیم مستندساز از خود نشان می دهد، بیان می کند: «مستند بحران در شرایطی ساخته می شود که شرایط بحرانی است. ابزار جبهه جنگ، تیر و تفنگ و اسلحه است ولی مستندساز بحران در فاصله ۱۵۰ متری با داعش، اسلحه را می گذارد و دوربین را برمی دارد.» عقلی از مستند بحران می گوید و ساخت مستند پرتیر آرشویی را سخت ترین نوع مستند می داند؛ مستندی که دارای شخصیت هایی است که دیگر در بین ما نیستند تا داستان شان را روایت کنند. ادامه می دهد: «این مستند دو شخصیت شهید داشت؛ شهادتی که به ظاهر بین ما نیستند، کار سختی بود.»



دوربین، ابزار جبهه جنگ نیست

عقلی مستندساز بحران را در برابر تیر و ترکش دشمن، بی دفاع می خواند؛ «دوربین، ابزار

مستند بحران در شرایطی ساخته می شود که شرایط بحرانی است. ابزار جبهه جنگ، تیر و تفنگ و اسلحه است ولی مستندساز بحران اسلحه را می گذارد و دوربین را برمی دارد

اختتامیه جشنواره عمار در آمفی تئاتر کتابخانه فرزانه جامع برگزار شد

سینما طرق

رژوآنه رمضان پور - یک هفته است که طرق تجربه تازه های دارد؛ تجربه حضور جشنواره های مردمی در قسمتی از مشهد که از مرکز شهر و سالن های سینمایی فاصله دارد. برای اهالی، تماشای فیلم در محله خودشان، لطف دیگری دارد. یکی اعلامیه پشت شیشه نانوائی محل را خوانده و دیگری از کانالی تلگرامی متوجه شده است. یکی، از بچه های مدرسه شنیده و دیگری برای همراهی خواهرش آمده است. صدای تیزر های فیلم در فضای سالن، پیچیده است و هر چند دقیقه یکبار موسیقی آشنای جشنواره عمار به گوش می رسد. سالن پر از جمعیتی است که هر کدام از طریق فهمیده اند در محله شان فیلم اکران می شود. جوانان محله حال و هوای یک سینمای کوچک را در دل سالن آمفی تئاتر کتابخانه فرزانه جامع به میان اهالی آورده اند. ساعت حدود ۵ بعد از ظهر است. صندلی های سالن تقریباً پر شده است. لذت دیدن فیلم را بعضی ها با آوردن تخمه، کامل کرده اند. نور سالن کم است و بخش فیلم شروع می شود. صدای شکستن تخمه و همهمه ای مبهم می آید. نمایش فیلم قرار است ۵۰ دقیقه طول بکشد. فیلم کوتاه «بدهی» تلنگر کوتاهی می زند تا برای نمایش مستند «پرواز از حلب» آماده شویم؛ مستندی که حضور کارگردانش در آخر برنامه، نویدی است که اکبر پور، مسئول گروه طریق، به مردم می دهد. قاب پنجره کوچک هواپیما در آسمان، شروع برای پروازی است که ما را به دنیای دوشهید مدافع حرم می برد. حاضران با حسین وارد تدریس می شوند و با دسته تخریب چی ها وارد باغ ها و خانه ها تا تله های انفجاری را خنثی کنند. سکوت است که سالن را فرا می گیرد. دیگر نه صدای تخمه می آید و نه همهمه. نمی دانم تخمه شان تمام شده است یا بغضی که در گلو دارند، نمی گذارد دست شان به سمت تخمه ها برود. فیلم تمام و چراغ ها روشن می شود ولی سکوت همچنان برقرار است. حالا نوبت کارگردان است تا از مستندی بگوید که ذهن مخاطبان را حساسی درگیر کرده است.